

روح‌یابی از مذاکرات در خانه ملت

حفاظت از حریم دانشگاه‌ها و مراجع

قاسم‌زاده، نماینده مردم بابل و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات نیز از موضع نظام ولایی به بحث پرداخت و عبارت مذکور را ضربه به حریم جریان مرجعیت قلمداد کرد.

آرمین در مقام پاسخگویی اضافه کرد: «ما در قوانین دیگرمان اهانت به مقام رهبری و مراجع را داریم و در آنجا کسی اعتراض نمی‌کند که ذکر اهانت به رهبری باعث وهن می‌شود.»

سرانجام حذف عبارت از رأی قابل توجهی برخوردار نشد. دنباله بحث درباره این طرح در جلسه ۲۶ بهمن‌ماه با حضور بورقانی، مخبر کمیسیون، ادامه یافت.

نخست به نمایندگان، مسئله در نظر گرفتن مجازات برای متخلفان از این قانون پرداختند.

موسی قربانی، بار دیگر مخالفت خود را با عبارت «شش ماه تا یک سال حبس» اعلام نمود و اظهار داشت فقط انفعال از خدمات دولتی از سه تا پنج سال کافی است که این پیشنهاد نیز رأی نیاورد.

لازم به ذکر است، آوردن بند: «... فضاهای آموزشی - پژوهشی و فرهنگی و خوابگاه‌های دانشجویی متعلق به وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی...» با عنوان «فرهنگی» مخالفت‌هایی را برانگیخت. به نظر مخالفان، مراکز فرهنگی شامل فرهنگسراها یا سینماها یا فضاهای فرهنگی غیرمربوط به دانشگاه‌ها یا کتابخانه‌ها هم می‌شود، اما موافقان بر این بودند که مراکز فرهنگی متعلق به دانشگاه‌ها جزو اهداف طرح است، ولی سرانجام حذف کلمه فرهنگی هم رأی نیاورد.

دکتر سبحانی، عنوان «ورود به بیت مراجع» را موجب وهن نظام اسلامی می‌دانست و معتقد بوده که این طرح، نحوه ورود نیروهای نظامی و انتظامی را به حوزه‌های رسمی و بیوت مراجع قانونی می‌کند. او، نظام و دانشجویان طرفدار قانون و آزادی و عدالت را در فاجعه کوی دانشگاه بی‌گناه ذکر کرد و این جریان را از جانب دشمنان آگاه به چگونگی رو در رو قراردادن جناح‌های سیاسی می‌دانست و معتقد بود اگر قانون هم باشد، ولی عوامل

بحث و بررسی در خصوص «طرح ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» در جلسه مورخ ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۷۹ مجلس انجام گرفت. در آن روز مخبر کمیسیون آقای بورقانی به دادگاه احضار شده بود و به ناچار نایب‌رئیس اول آقای آرمین، به توضیح پیرامون طرح پرداخت.

انگیزه تدوین این طرح، حوادث ناخوشایندی بوده است که در سال گذشته در برخی از دانشگاه‌ها روی داده و عوارض زیانباری را به نظام تحمیل کرد. هدف از طرح ممنوعیت... پاسداری از منزلت علم و حریم مراکز علمی و تقویت امنیت ملی کشور و تقویت اعتبار نظام از طریق پیشگیری از حوادثی چون ۱۸ تیر سال ۷۸ بوده است.

آرمین به شور و تحرک و حساسیت قشر جوان نسبت به مسائل اجتماعی اشاره کرد و اینکه باید این احساسات را به رسمیت شناخت؛ در غیراین صورت، جای خود را به گرایشات آلترناتیوی می‌دهند که به جز فساد و تباهی برای نسل جوان، بی‌آیندگی برای نظام را به همراه دارد. به دلیل آنکه قشر دانشگاهی به عنوان یک گروه مرجع محسوب می‌شود، لذا احتمال هرگونه اقدام خودسرانه و نابخردانه از سوی برخی از افراد دارای مسئولیت، یا هرج و مرج طلبی‌ها و قانون شکنی‌های عناصر غیرمسئول را باید برطرف نمود.

پس از شور اول، اصلاحاتی در این طرح، صورت گرفت: عنوان آن به «طرح حفظ حریم دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و حوزه‌های علمیه و بیوت مراجع تقلید» تغییر پیدا کرد تا شائبه اهانت به نیروهای نظامی و انتظامی به ذهن خطور نکند. خانم حقیقت‌جو پیشنهاد کرد که عنوان طرح، همان عنوان قبلی باشد تا وقایع تلخی که ما به کرات شاهد آن بوده‌ایم - از جمله حمله به بیوت مراجع و دانشگاه‌ها - اتفاق نیفتد و عنوان آن با محتوایش همخوانی داشته باشد، اما پیشنهاد ایشان رأی نیاورد.

موسی قربانی، پیشنهاد حذف عبارت «بیوت مراجع تقلید» را داد، اما عبائی‌خراسانی ذکر مراجع تقلید و حوزه‌های علمیه را در کنار مراکز دانشگاهی لازم دانست و حذف آن را توهین به حوزه‌ها و مراجع خواند.

موجب آن حادثه مرتفع نشوند، احتمال وقوع حادثه مشابه منتفی نیست. مزروعی در جواب گفت: «دلیل ارائه این طرح اتفاقاتی بود که انتظار آن را نداشتیم، ولی متأسفانه این حوادث روی دادند.» وی افزود: «اگر ما حدود قانونی قدرت و سیاست را تعریف نکنیم، این مسئله می‌تواند عرصه‌هایی را مورد تجاوز قرار بدهد که هرگز فکر آن را نمی‌کنیم.» او گفت: «هرگز فکر نمی‌کردیم به دانشگاه‌ها حمله شود، ولی متأسفانه شد و هرگز فکر نمی‌کردیم در شهر مقدس قم اتفاقاتی بیفتد که حرمت مراجع و علما شکسته شود، ولی متأسفانه این اتفاق افتاد.» مزروعی ادامه داد: «ما امروز در برابر وقایع تلخی قرار گرفته‌ایم که اگر برای آنها فکری نکنیم، هیچ تضمینی وجود ندارد که تکرار نشود.» مزروعی این سؤال را مطرح کرد، «آیا این برخوردها وهن بوده است یا اینکه ما قانون وضع می‌کنیم که جلوی این کارها را بگیریم؟»

بورقانی در توضیحات خود گفت: «پیشنهاد و تنظیم این طرح به منظور آن است که مانع از هرگونه تعرض بعدی شویم و حریم این بزرگان حفظ شود.»

تبصره دیگر این طرح، ورود نیروهای نظامی و انتظامی و همچنین نیروهای اطلاعاتی برای انجام مأموریت‌های اطلاعاتی به بیوت مراجع تقلید را فقط با درخواست شخص مرجع و یا دستور قضایی و موافقت رئیس شورای امنیت کشور، در چارچوب ضوابط قانونی مقدر کرده است.

آقای قربانی این تبصره را دخالت قوه مجریه در قوه قضائیه تلقی کرد. و پیشنهاد حذف عبارت شورای امنیت ملی را داد. آقای محبی نیز بر این عقیده پای فشرد. او اظهار داشت: «کاش این صداهایی که امروز به حق بلند شده‌اند و روال قانونی به خود گرفته‌اند، در تمامی صحنه‌ها، حقوق شهروندان را باالسویه رعایت کنند.» محبی نیا به گذشته‌هایی اشاره کرد که احترام بیوت مراجع شکسته شد؛ زمانی که بعضی از مراجع به پای میز محاکمه کشانده شدند و در تلویزیون آمدند و از آنها اعتراف گرفته شد. وی افزود: «ای کاش این فریادها آن زمان بلند می‌شد!»

بورقانی، دلیل آوردن عبارت «موافقت شورای امنیت ملی» را - در طرح، نگرانی از اینکه دستوریک قاضی جوان و کم‌تجربه - که بحمدالله از نعمت وجود آنها بهره‌مند هستیم، - تبعات امنیتی سنگینی برای کشور بیارورد ذکر کرد و افزود: «این به معنای دخالت قوا نیست.» حذف این عبارت نیز رأی نیاورد.

نکته دیگری که آقای قربانی طرح کرد این بود که با توجه به این مصونیتی که برای محیط دانشگاه ایجاد می‌شود، ممکن است هر فردی که تخلفی می‌کند، تعقیب بکنند و خیلی راحت بخواهد از این فضایی که ایجاد شده سوءاستفاده بکند. او پیشنهاد داد که کلمه «دانشجو و استاد، به عبارت اضافه شود.

حداد عادل با توجه به مطلب فوق، ابهام قانونی را مطرح نمود و اینکه به طور مطلق گفته شده: «دستگیری افراد»، تولید اشکال می‌کند. وی معتقد بود نباید قانون، مطلق باشد، چرا که هر غیردانشگاهی می‌تواند به دانشگاه برود و هر کاری دلش می‌خواهد بکند. وی با اشاره به افرادی که در روز ۲۲ بهمن ۱۳۷۹، در پارکی تجمع کرده بودند و نیروی انتظامی به وظیفه خود

در آن رابطه عمل کرد، گفت: «اگر به اعتبار این قانون، نظیر این گونه تجمعات در دانشگاه‌ها اتفاق بیفتد، در آن صورت چه خواهد شد؟» حداد عادل، نگرانی خود را از این بابت که نیروی انتظامی نتواند سر برآورد و خود دانشجویان اقدام بکنند، اعلام نمود. همچنین وی گفت: «نگران این هستم که به نام حمایت از دانشگاهی و دانشجو، بست بست‌نشینی را مجدداً احیا بکنیم و این حرف‌ها با آن حرف‌هایی که دربار جامعه مدنی زده می‌شود منافات دارد.

بورقانی در پاسخ به اظهارات فوق گفت: «این پیشنهادات، نه تنها طرح را کم‌رنگ و ضعیف می‌کند که اصلاً پایه‌های این طرح را بر آب بنیان می‌گذارد. ما اصولاً ورود نیروهای نظامی و انتظامی را منع کرده‌ایم، بعد می‌گوییم منظور از دستگیری افراد، دانشجو و استاد است؛ یعنی پس باید اجازه بدهیم نیروی انتظامی داخل دانشگاه بیاید و بعد شروع به تشخیص دادن بکند.» بورقانی این مسئله را در تعارض با روح طرح دانست.

بورقانی ادامه داد: «اصولاً هیچ اجتماعی در دانشگاه برگزار نمی‌شود مگر با موافقت رئیس دانشگاه، نماینده رهبری و نماینده وزیر. ضمن آنکه در تبصره چهارم به رئیس دانشگاه اجازه داده شده که اگر کسی محیط آموزشی را با مخاطره مواجه کرد، بلافاصله تقاضا کند که بیابند برخورد کنند و متهم را دستگیر کنند و ببرند و اصلاً جای بست‌نشینی باقی نمی‌ماند.» مخبر کمیسیون امنیت ملی گفت: «هدف طرح این بود که سازوکارها به دست افراد اهل باشد.»

سرانجام، این طرح با یک ماده واحد و پنج تبصره به رأی گذاشته شد. به تصویب نمایندگان رسید.

ماده واحد: «ورود افراد مسلح و نیروهای نظامی و انتظامی موضوع ماده (۱) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ج.ا.ا. مورخ ۱۳۷۱/۵/۱۸ مجلس شورای اسلامی برای انجام مأموریت‌های انتظامی از قبیل تعقیب عملیاتی و دستگیری افراد و هرگونه حمل و نگهداری سلاح در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و اماکن مربوط و حوزه‌های علمیه و بیوت مراجع تقلید ممنوع است.»

شورای نگهبان در نامه‌ای به مجلس اظهار داشت که مصوبه حفظ حریم دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و خانه مراجع، مورخ ۱۳۷۶/۱/۲۶، مخالف شرع و قانون اساسی است.

شورای نگهبان، تضاد مورد نظر در مصوبه را از این جهت که در مواردی موجب به خطر افتادن سلامت و امنیت جان دانشگاهیان و روحانیان و افراد حاضر در اماکن یاد شده می‌شود را خلاف بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی دانسته و نیز از این نظر که مانع انجام وظیفه قوه قضائیه، مذکور در اصل ۱۵۶ قانون اساسی است، مغایر اصول مزبور تشخیص داد.

این نامه می‌افزاید: «همچنین از این حیث که در مواردی شامل منافع بیگیری و جلب دستگیری محکومان مورد تعقیب ضابطین قوه قضائیه و احضار و جلب متهم می‌شود، خلاف شرع است.»

انصاری‌راد، در مورد رد این طرح توسط شورای نگهبان می‌گوید: «اگر مجرم یا متهمی احیاناً در درون دانشگاه و بیوت مراجع یا حوزه‌های علمیه پناه گرفته، به وسیله مسئولان خاص، کاملاً قابل پیگیری و مواخذه

حاکمه است. «انصاری راد افزود: «این قانون، حرمت گذاشتن به این بانک و در حقیقت جلوگیری از هتک حرمت دانشگاه‌ها و بیوت مراجع و روزه‌های علمیه است.» به نظر انصاری راد این قانون منافاتی با موازین رعی - قانون اساسی و قانون مدنی ندارد.

این طرح، مجدداً در دستور کار کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی قرار گرفته است تا به ایرادات مطرح شده از سوی شورای نگهبان رسیدگی و به‌ارای طرف نماید.

قانون اساسی ثمره انقلاب و خون شهدا فصل الخطاب است

رئیس جمهور، در سومین همایش سالانه هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در ۱۶ آذر ۷۹، اعلام نمود: «رئیس جمهور در مقام مل، اجمالاً قادر به متوقف کردن روند نقض یا وادار کردن به اجرای قانون اساسی نیست.»

رئیس جمهور با اشاره به تلاش مقام رهبری در مدت ریاست جمهوری ایشان که به تصویب قانونی در مورد اختیارات ریاست جمهوری منجر شد، سریع نمود: «ایجاد ثبات و قوام و امنیت جامعه، مستلزم یک صل الخطاب است تا اختلاف نظر و برداشتهای مختلف، اجازه بروز و ظهور یابند.»

خانمی، «قانون اساسی را به عنوان فصل الخطاب نظام اسلامی برای مان جامعه یاد کرد.

رئیس جمهور در این همایش گفت: «به دلیل حفظ آرامش در جامعه، ارزش جامعی از موارد نقض یا عدم اجرای قانون اساسی به ملت ارائه نداده است، اما به رهبری و مجلس شورای اسلامی گزارش‌هایی ارائه شده است.» رئیس جمهور، تعریف جرم سیاسی را از اصول معطل مانده قانون اساسی ذکر کرد.

خانمی افزود: «باید اعلام کنم بعد از سه سال و نیم رئیس جمهوری، روز اختیار کافی برای انجام این وظیفه را ندارم.»

لازم به ذکر است که طرح اختیارات ریاست جمهوری و شفاف نمودن آن بیارات، در دست بررسی نمایندگان قرار دارد که به زودی به هیئت رئیسه ایم می‌شود.

براندازی و قانون مجازات اسلامی

رئیس کل دادگستری تهران، آقای علیزاده، به اعتراض ۱۵۰ نفر مایندگان، پاسخ داد. وی در خصوص اینکه کشف و تحقیق و اعلام برخی تم، منحصرأ برعهده ارگان خاصی است می‌گوید: «جرم بردونوع است موصی و دیگری دارای جنبه حیثیت عمومی است؛ که به موجب ماده ۳ ن دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۸/۶/۲۸، بدگی آن باشکایت مدعی العموم شروع می‌شود و براساس قانون کلیه نیقات به وسیله ضابطین دادگستری انجام می‌شود.» وی در نامه خود به ر صریح برخی از متهمان بر براندازی و تغییر قانون اساسی اشاره کرده ت و براندازی را منحصر به مواد ۱۸۷ - ۱۸۸ و ۵۰۴ قانون مجازات دمی ندانسته می‌افزاید: « مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ همان قانون نیز ناظر یعنی براندازی است. که از نوع غیر محارب است و به وسیله برهم زدن بت کشور است.»

آقای علیزاده در مورد وکیل متهمان و محل بازداشت، اطمینان داده انسان بر اساس قوانین بوده و زندانیان در زندان‌های قانونی کشور نگهداری می‌شوند. (۱/۳۰)

ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی: «هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، مادام که مرکزیت آن باقی است، تمام اعضاء و هواداران آن، که موضوع آن گروه یا جمعیت یا سازمان رامی دانند و به نحوی در پی شبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثر دارند محاربند، اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند.»

«تبصره: جبهه متحدی که از گروه‌ها و اشخاص مختلف تشکیل شود، در حکم یک واحد است.»

ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی: «هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی موثر ویا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند، محارب و مفسد فی الارض می‌باشند.»

ماده ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی: «هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پستهای حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی موثر باشد، «محارب» و «مفسد فی الارض» است.»

ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی: «هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند، تحریک موثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند، در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد، محارب محسوب می‌شود و الا چنانچه اقدامات وی موثر واقع شود به حبس از دوتا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود.»

ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی: «هر کس با هر امرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دوفتر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دوتا ده سال محکوم می‌شود.»

ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی: «هر کس در یکی از دسته ها یا شعب جمعیت های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال محکوم می‌گردد، مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است.»

آیا متن تحلیلی مدرک جرم است؟

احمد بورقانی در یادداشتی در حاشیه نام آقای علیزاده به مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی اشاره کرده است. بورقانی نتیجه گرفته است که از مواد فوق‌الذکر براندازی استفاده نمی‌شود کم‌اینکه رئیس کل دادگستری از عنوان «ناظر به نوعی براندازی» سخن به میان آورده است. وی سپس بر اساس مواد ۱۸۷ و ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی، به طرح این سؤال می‌پردازد که آیا بازداشت شدگان در صدد کودتا بوده‌اند؟ با کدام امکانات وعده و با کدام طرح؟

مورد دیگر، تغییر قانون اساسی است که آقای علیزاده آن را جرم نامیده

بود. بورقانی می گوید: «تغییر قانون اساسی مسئله ای اساسی نیست، بلکه شیوه رسیدن به این هدف مهم است که اگر از طریق نظامی و کودتا باشد عملی مجرمانه و مصداق براندازی است، ولی اگر کسی پیشنهاد آن را در قالب قانون اساسی بدهد، قبل از هر چیز تقید خود را به قانون اعلام کرده است. ضمن آنکه مدرکی که رئیس کل دادگستری به آن اشاره می کند، بدون توضیح است. این مدرک متعلق به کیست؟ آیا مورد وفاق همه محبوسین است؟ و آیا این متن چیزی غیر از تحلیل است، ۱- وزارت اطلاعات گفت مدرکی که دال بر براندازی باشد در اختیار ندارد.» بورقانی در کمیسیون قضایی مجلس متذکر شد که محبوسین نه انسجام تشکیلاتی دارند و نه مدیریتی واحد.

نوروز، ۸۰/۱/۳۰

اطلاع رسانی در مورد بازداشت شدگان

رئیس قوه قضاییه در پاسخ به نامه نمایندگان مجلس، از رئیس کل دادگستری استان تهران خواسته است در مورد دستگیری های اخیر با پاسداشت حقوق متهمان، اطلاع رسانی لازم انجام گیرد و ابهام از اذهان رفع شود تا در فضایی آرام و عاری از هرگونه تنش، مردم با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، امید دشمنان را در ایجاد اختلاف میان مسئولان و مردم به یاس مبدل گردانند.

آیت الله شاهرودی، در جلسه مسئولان عالی قضایی، با اشاره به وجود آشفتگی در بازداشت های موقت اظهار داشت: «بازداشتگاه باید سازوکاری متناسب با شخصیت و کرامت مومنان پیدا کند. کسی که بازداشت شده نباید با او برخورد مجرمانه کرد و یا او را تحقیر کرد.»

وی همچنین گفت: «لازم نیست کسی که بازداشت موقت است، لباس زندان بپوشد و بازداشت باید متناسب با اتهام باشد.»
وی افزود: «در قوانین مامواد جرما زیاد شده است و بایستی در این باره تدبیری اندیشیده شود.»

آقای شاهرودی افزود: «مردم از اطاله دادرسی رنج می برند، باید برای تراکم پرونده ها سیاستگزاری می شود.»

اسناد معتبر دادگاه انقلاب

رئیس کمیسیون قضایی مجلس، آقای قوامی گفت: «امنیت کشور و تشخیص براندازی به عهده وزارت اطلاعات است.»
حجت الاسلام قوامی افزود: «اگر بنا باشد وزارت اطلاعات نامحرم باشد، دیگر برای کشور چه می ماند که آقایان بدون اطلاع آن وزارتخانه، اقدام به دستگیری عده ای به عنوان برانداز کنند.» وی خاطر نشان کرد: «همین که آقایان می گویند مامدارکی را اعلام می کنیم، دادگاه را از بی طرفی خارج می کند.»

نوروز - ۸۰/۱/۲۹

در پی مکاتباتی که به منظور دستیابی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به پرونده مهندس سحابی از سوی این کمیسیون و دادگاه مربوطه انجام شده بود، یک هیئت سه نفره از سوی کمیسیون، برای قرائت پرونده سحابی و افشاری به دادگاه انقلاب خواهند رفت. ریاست این هیئت را دکتر شیخ بهمهده دارد.

مخبر کمیسیون اصل ۹۰ گفت که قاضی دادگاه جلوی این امر را گرفته است و با خواندن پرونده مخالفت نموده است.

تحقیق وتفحص از پرونده های قضایی توسط مجلس بلاشکال یا خارج از وظایف مجلس؟

آقای علیزاده، رئیس کل دادگستری استان تهران، طی نامه ای به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، انجام تحقیق وتفحص از پرونده های قضایی را توسط مجلس بلاشکال دانست. به گفته مخبر کمیسیون، آقای علیزاده در صدد است باب جدیدی در روابط کمیسیون با دادگستری استان تهران باز کند.

علیزاده قبل از این تحقیق وتفحص در امور قضایی را دخالت در قوه قضائیه تلقی کرده بود که با مخالفت شدید مجید انصاری روبه رو گردید.

پس از اعلام این خبر، روابط عمومی دادگستری استان تهران در اطلاعیه ای اظهارات دادفر، مخبر کمیسیون اصل ۹۰ را رد کرد و اعلام نمود انجام هرگونه تحقیق وتفحص در مورد پرونده های قضایی، خارج از وظایف مجلس شورای اسلامی است.

استقلال قوه قضائیه به معنی استقلال از ملت نیست

محسن آرمین در نطق ۱/۲۶ خود به اطلاعیه ده ماده ای دادستانی در سال ۶۰ اشاره کرد که گروه های سیاسی رانزم می کرد سلاح های خود را تحویل دهند و با هر گرایش فکری، باتمکین در برابر قانون، به فعالیت سیاسی بپردازند.

آرمین که ذکر اطلاعیه فوق را نه از سر دفاع از این یا آن مخالفت قانونی، بلکه به انگیزه دفاع از امام بیان می کرد، به سرمقاله یکی از روزنامه های مخالف اصلاحات اشاره کرد که هنر نظام رانابودی اپوزیسیون می داند و توصیه می کند با فشار آوردن بر مخالف قانونی و وادار کردن آن به براندازی، باید هزینه گرایش به اپوزیسیون را چنان بالا برد که دیگر کسی به فکر مخالفت نیفتد.

آرمین افزود: «برای ممانعت از پیدایش چنین وضعیتی باید درک درستی از اقتدار ملی داشته باشیم. اقتدار ملی، اقتدار یک جناح یا یک حکومت که مشروعیت خود را از منبعی جز مردم می گیرد نیست.»

وی افزود: «استقلال قوه قضائیه به معنای استقلال از ملت نیست.» او این سؤال را مطرح کرد که وقتی حکم قاضی فصل الخطاب است و می گویند پیش از حکم قاضی هم انتقاد نکنید - زیرا نقض استقلال قاضی است - قوه قضائیه چه تمهیدی برای امتناع افکار عمومی اندیشیده است تا در صورت بروز اشکال در عملکرد دادگاه ها انتقاد شود.

آرمین که در پایان از خاتمی خواست به خاطر اقدامات تحریک آمیز معدودی از محافل افراطی، تردیدی در ادامه راه نداشته باشد، گفت: «مخالفان افراطی اصلاحات، با استفاده از نفوذ خود در برخی قوا و نهادهای قانونی، از تمامی ظرفیت این مراکز برای اجرای طرح های خود بهره می برند.»